



۲۰۱۳/۱۰/۰۷



م، نعیم بارز

## مساله انتخابات وتابعیت کورکورانه مردم از جنگسالاران!

اگر بدانیم که چرا چنین است، علاوه از تحلیل و بررسی شرایط تاریخی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که تاکنون بارها از هرسو به آن پرداخته شده است، بهتر خواهد بود قدری از دیدگاه روان شناسی نیز به آن نظر اندازیم. فریود به عنوان پدر علم روان شناسی ماهیت انسان را به شیوه خاصی عنوان می کند، به نظر او:

«انسان ذاتاً نه خوب است و نه بد، بلکه از نظر اخلاقی خنثی است. فریود انسان را محصل نهایی رشد تدریجی تکامل میدانند. به اعتقاد او انسان از هر نظر در حکم یک ماشین فیزیولوژیک است که در آن کشش ها و انگیزش های ارگانیزم بیولوژیک به صورت فرایند های فکری، آرزو و سوابق عاطفی ظاهر می شوند، بدی و شرارت انسان زمانی ظاهر می شود که عمل منطقی انسان زیر نفوذ کشش های غریزی قرار می گیرد، بدون آنکه انسان این کشش ها را بشناسد و یا در صدد کنترل آنها برآید؛ فریود وجود اراده و آزادی انسان را نفی می کند و او را تابع عوامل جبری یا محدودیت های اجتماعی می داند، فریود بر این باور است که انسان کوشش می کند که بر دیگری تسلط پیدا کند و همه اطاعتش بکنند در این نقطه است که تفکر دیکتاتوری بروز می کند، وقتی تشویق ها بی سابقه شد و عمومیت پیدا کرد شخص از خود بیخود شده و در آن هنگام است که شخص خود را به جای خدای خیالی می گذارد و پایه تفکر برتری طلبی و دگر آزاری در وجود او آغاز می شود.

از نظر روانکاوی انسان تابع اصل جبر روانی است. انسان موجودی تلقی می شود که با تسلط ناخود آگاه نیروهای فطری بر منطق او هدایت می شود. این نیروها را می توان به سطح آگاهی آورد و تحت کنترل قرار داد. از این دیدگاه، آگاهی باعث آزادی می شود و جهل انسان را به بردگی می کشد. از این رو تسلط اصل جبر روانی زمانی کاهش می یابد که خود آگاهی انسان افزایش یابد، هر چه دانش فرد از خودش بیشتر باشد احتمال اینکه عقلانیتر عمل کند بیشتر می شود.»

با ذکر نکات بالا می شود گفت تجارب دستکم سی و پنج سال اخیر رویداد جنگ ها، انتخاب نمایندگان ولسی جرگه و ریاست جمهوری بر نظر فریود کاملاً صحه می گذارد، که اگر آزادی و امنیت هم در اجتماع فراهم شود که میلیون ها انسان بتوانند به رضا و رغبت، نمایندگان و رئیس جمهور شان را از طریق رأی انتخاب نمایند ولی مردم در اثر عدم آگاهی قادر نخواهند بود تا تفکیک خوب از بد نموده، کسی و کسانی را انتخاب کنند که دارای فهم و اخلاق لازم انسانی و شایسته کار رهبری یک دولت و ملت را داشته باشند و بتوانند شرایط و اوضاعی را مساعد نمایند که همه مطابق ظرفیت ها و ارزش ها به نیازها و خواست های شان برسند و یا حد اقل از جانب دولتی که تشکیل می شود اذیت و آزار نه بینند.

تجربه در همه جا نشان داده است، تا زمانیکه جامعه از درون به رشد اقتصادی و فرهنگی و سیاسی نرسد مردمان عادی بیشتر از موضع غریزوی و عاطفی پشت سرهمان خشونتگران و آدم کشانی از قوم خود شان ایستاد می شوند. البته یک عده ناچیزی نزدیک به قدرتمندان و نزدیک به دور حرم با رأی دادن های خود سود می برند اما توده های میلیونی که بارها شاهد جرم و جنایات ارباب قدرت بوده اند و بیشترین رنج و عذاب را متحمل شده اند با رأی دادن های کور کورانه خود باز هم در همان دور باطل می افتند و به رنج و عذاب و تنگ دستی باقی می مانند.

بعضاً استدلال میکنند که مشکل جامعه ما ناشی از بی سوادی اکثریت مردم است، این برداشت تا جایی درست است اما بیسوادی عامل اساسی مشکل جامعه نیست زیرا همواره دیده شده که بسی افراد درس مکتب و فاکولته خوانده بدنبال همین رهبران کم سواد و خشونتگرا، روان بوده و هنوز هم روانند، پس آنچه مهم است کیفیت سواد است بخصوص کیفیت سواد سیاسی و در نبود تشکل ها و سازمان های سیاسی معیاری.

اگر اینطور نمی نبود چگونه وجدان به اصطلاح روشنفکران افغان به آنها اجازه می داد تا متاع دار و ندار فکری شان را در خدمت جنگسالاران عرضه نمایند؟ حتی دیده شده که بخشی از پیشرو ترین جوانان باثبات نیک مدعی

آزادی و ترقی از تریبون های که در پارلمان و رادیو تلویزیون های آزاد در اختیار شان قرار می گیرد، نمی دانند چگونه بخوبی و بصورت مثبت به نفع همگانی از آن استفاده نمایند.

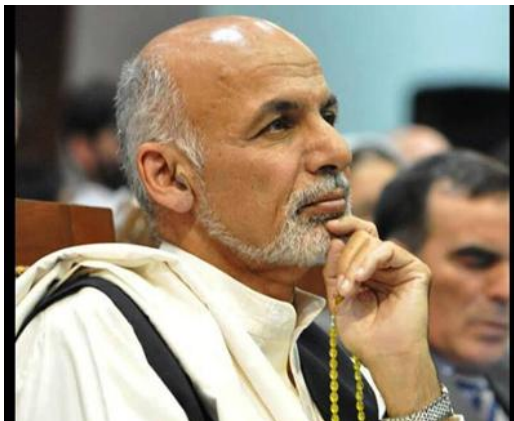
مثلاً: چند روز قبل در یکی از بحث های رادیو تلویزیون طلوع نیوز دو سه نفر جوان را دیدم که یکی به اسم اجمل بلوچ عضو جامعه مدنی و دیگری سیاه وش بککاش عضو ولسی جرگه، بر موضوع انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ بحث داشتند، آقای اجمل بلوچ یک جمله را به تکرار می گفت « باید مردم در انتخابات از خود حماسه بیافرینند» گرچه این نوع آروزمندی های نیک ظاهراً خوشایند است اما از آنجائیکه چنین توقعات واقعینانه نیست مردم را سوق دادن به خواب و خیال است زیرا در حالیکه به اصطلاح روشنفکر افغان خود نمی داند و با تحلیل گفته نمی تواند که فرق بین دیموکراسی و استبداد چیست و جرئت افشای خائنین و جنایتگران را ندارد و به صراحت نظر خود را گفته نمی تواند که چه کسی شایسته مقام ریاست جمهوری است، چگونه از دیگران و عوام انتظار دارد که از میان همه برنامه های تقریباً مشابه، برنامه خوب و قابل تطبیق و فرد شایسته ای را تشخیص داده و با انتخاب آن « حماسه بیافرینند»؟

اوضاع عینی جامعه بسیار درد آور است که حتی فرد دانشمندی چون اشرف غنی احمد زی اگر خواسته باشد به کشور و مردمش خدمت نماید، چاره کار را در این می بیند که باید بمقام ریاست جمهوری برسد و برای رسیدن به آن مقام خود را ناگذیر می بیند که بجای ورزیده ترین فرد سیاسی چون دوکتور رنگین دادفر سپینتا و یا فرد دیگری، جنرال عبدالرشید دوستم را به حیث معاون اول خود بپذیرد، زیرا به واقعیت راه و چاره دیگر هم نیست چون میدان دار سیاست و قدرت همین جنگسالاران هستند، لذا ناچار باید با بخشی از اینها ساخت تا با بخشی دیگری که عقب گراتر و وابسته به دولت های دشمن افغانستان هستند مبارزه کرد.

با اینحال امروز یکشنبه ۶ / ۱۰ / ۲۰۱۳ آخرین روز برای ثبت نام کاندید های ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ است. کسانیکه تاکنون اسمای خود و معاونین شان را به ثبت رسانده اند، به برداشت من از میان همه چهار شخصیت امکان بدست آوردن بیشترین رأی را دارند :



یک - دوکتور زلمی رسول وزیر خارجه سابق. گرچه در میان مردم عام شخصیت زیاد شناخته شده نیست، اما گذشته از ارزشهای علمی، اخلاقی با انتخاب معاون اول خود احمد ضیا مسعود از قوم تاجک و حبیبیه سرابی معاون دوم از قوم هزاره و بخصوص که گفته می شود حمایت رئیس جمهور کرزی را باخود دارد احتمالاً که بیشترین رأی را نصیب خود نماید.



دوم - دوکتور اشرف غنی احمد زی شخصیت علمی شناخته شده در سطح ملی و بین المللی با انتخاب معاون اول خود، جنرال عبدالرشید دوستم قوی ترین مرد شمال کشور و معاون دوم سرور دانش وزیر عدلیه سابق از قوم هزاره را انتخاب کرده، اگر مردم زیر تاثیر انگیزه های قومی نبود چه بهتر بود که اشرف غنی احمد زی بجای گذاشتن ریش و تسبیح دور دادن، مثل سابق دریشی می پوشید و نکثائی می زد و بجای معاونان موجه اش شخصیت های با تحصیل، آگاه، ملی و صادق را انتخاب می نمود.

سوم - دوکتور عبدالله رهبر ائتلاف ملی، با انتخاب معاون اولش حاجی محمد محقق از قوم هزاره و معاون دومش... از حرب اسلامی گلبدین حکمتیار از قوم پشتون که حمایت مارشال قسیم فهیم و حاجی عطا محمد نور والی بلخ را نیز باخود دارد.

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ



چهارمین - کاندید ریاست جمهوری، عبدالرب رسول سیاف یکی از باصلاح رهبران مهم جهادی و نماینده سابق مردم کابل در ولسی جرگه، نام خود و دو نفر معاونش هر یک جنگسالار اسمعیل خان وزیر سابق آب و برق و معاون دوش و هاب عرفان عضو قبلی سنای افغانستان را ثبت نمود.



تلویزیون طلوع نیوز نشان می داد که حین ثبت نام سیاف به دفتر مرکزی کمیسیون انتخابات او را عبدالروف ابراهیمی رئیس ولسی جرگه، فضل هادی مسلمیار رئیس سنا و تعداد دیگر نمایندگان شورای ملی بدرقه می نمودند و هوا دارانش شعار الله اکبر سر می دادند.

متأسفانه در جامعه سنتی جنگزده افغانستان اگر چانس رسیدن سیاف ریاست جمهوری زیاد از دیگران نباشد کمتر هم نیست بخصوص که به حمایت وی و هابی های ثروتمند عربستان سعودی قرار داشته و خواهند داشت.

اما از آنجایی که تعداد کاندیدها زیاد و در میان شان چنان شخصیت مردمی و با جذبیده نمی شود از همین حالا پیداست که در دور اول انتخابات کسی رأی لازم را برای رسیدن به مقام ریاست جمهوری بدست آورده نمی تواند. منتظر خواهیم بود، ببینیم چه کسانی چانس رقابت برای رفتن به دور دوم را بدست خواهند آورد و چگونه ائتلاف های در آن وقت صورت خواهد گرفت.

آنچه جای سؤال دارد اینست که با وجود کم علائقی مردم به مسأله انتخابات چرا اینهمه افراد خود را برای مقام ریاست جمهوری و معاونیت آن مقام کاندید کرده اند، شاید با آنکه بسیاری از این کاندیدها می دانند که نه هریک تنها ده فیصد رأی مردم را نمی تواند بدست آورد ولی هریک اینرا می داند که حد اقل با به دست آوردن صد هزار کارت رأی دهی و پرداخت یک میلیون افغانی تضمین بانکی دست آوردی خواهند داشت که آنها را وارد معامله سیاسی خواهد نمود و همچنان با نشان دادن همینکه توان بدست آوردن یکصد هزار کارت رأی دهی را دارد میتواند در موقع خرید و فروش رأی بیش از ده برابر سود بدست آورد.

بهر صورت مسایل زیادی در این رابطه برای گفتن وجود دارد ولی فعلاً در همین جا بس میکنم هنوز شش ماه تا روز انتخابات زمان پیش روست، موضوع را بارها دنبال خواهیم کرد.

پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ